



تاریخ تشکیلات سیاسی و حقوقی جهان | ترجمه

جمال الدین جالی

مکاتب میپاسی در یونان و رم

هم زمان با تحولات سیاسی و انقلابات گوناگون از زمان شهادت سقراط تا مرگ ارسطو و از آن پس تا زمان سیسرو که مصادف با سقوط جمهوریت رم میباشد در مدارس و مکاتب مختلفه یونان و رم افکار سیاسی بر پایه عرفیات و معمولات یونان و رم با نوساناتی در جریان بود که مفسرین فلسفه سیاسی آنرا بچهار نوع فلسفه سیاسی در آتن و بالاخره در رم تقسیم نمودند .

این مکاتب دنباله افکار سیاسی و علمی حکمای بزرگ یونان چون سقراط و افلاطون و ارسطو بوجود آمد ولی بعضی مکاتب عادی از فلسفه سوفسطائیان هم نمیشد .

با تمام اهمیتی که از جنبه فلسفه سیاسی افکار این فلاسفه و دانشمندان در

قرون بعد تا برسد بزمان معاصر داشته میتوان گفت تأثیر عملی در حکومت‌های متشکله جهان نداشته و بیشتر در مدارس و مکاتب و دانشگاه‌ها از جنبه علمی مورد بحث محققین بوده است زیرا همواره حکومتها تابع تحولاتی هستند که مقتضیات طبیعی اجتماعات آنها بوجود آورده این مقتضیات بطور کلی توانائی و قدرت را بدست فرد یا طبقه‌ای میدهد خصوصیت و رژیم حکومتها همواره تابع طبقه حاکمه‌ایست که قدرت دولت را در دست دارد و همدوش با خصوصیت موجوده حکومت دوام داشته و بمجرد انتفای خصوصیت که عامل و سبب بوجود آمدن حکومت بوده است رژیم حکومت بنوع دیگری که مقتضیات و خصوصیت اجتماع ایجاد کند منقلب میشود غالباً واسطه این تحولات انقلاب سرخ و خونریزی میباشد و بسیار کم اتفاق میافتد انقلاب سفید واسطه قرار گیرد در هر صورت وقوع انقلاب هم اعم از انقلاب سرخ یا سفید اقتضای طبیعت اجتماعات میباشد پس از آنکه انقلاب بصورت ثابت درآمد رژیم حکومت تابع نظر فرد یا طبقه‌ایست که انقلاب را رهبری کرده و قدرت را بدست آورده است.

مباحث علمی هم در موضوع فلسفه سیاسی در طول قرون گذشته نوساناتی داشته چنانچه با توجه بسوابق تاریخی فلسفه سیاسی افلاطون و از آن پس ارسطو در یونان قدیم با آن اهمیتی که داشت تا دو قرن پس از مرگ ارسطو متوقف شد و مورد مطالعه و توسعه قرار نگرفت تا هنگامیکه مکاتبی در یونان بوجود آمد و تحقیق در اطراف فلسفه سیاسی شروع شد که اجمالاً در اطراف هر یک از مکاتب مزبور توضیحی داده میشود .

الف مکتب یا فلسفه ابیکور .

ب - مکتب یا فلسفه شکاکین و کلیون که بعضی از مفسرین فلسفه سیاسی این دو مکتب را از هم جدا تصور کردند و هر یک را مکتبی مستقل دانسته اند ولی با توجه بگفتار و عقاید پیشوایان این دو فرقه نمیتوان آنها را دو مکتب مستقل دانست.

ج - مکتب یا فلسفه رواقیون .

اجمالاً در باره این مکاتب یا فلسفه سیاسی توضیحی داده خواهد شد .
 اول فلسفه اپیکور مؤسس این مکتب اپیکور از اهل آتن در سال ۳۰۶ قبل
 از میلاد مدرسه خود را در آتن افتتاح نمود که تا چندین قرن باقی بود و یکی از
 مکاتب بزرگ یونانی بشمار میرود این مکتب بوسیله یوس یا سقراط مر بوط میشود
 خلاصه عقاید و فلسفه سیاسی اپیکور

اپیکور طبق اصلاح جدید فلسفه (ماترلیست) یعنی معتقد باصول مادی میباشد.
 اپیکور انسان دوست و خوش بین بنوع بشر است و معتقد باصول تکامل میباشد
 خلاصه فلسفه و اصول عقاید وی را میتوان در سطور زیر بیان نمود .
 حیات اجتماعی بر پایه منافع فردی گذاشته شده اگر ما عضو جامعه هستیم
 برای آنست که میدانیم از عضویت جامعه بیشتر مستفید می شویم و بهتر ما را از خطر
 حفظ میکند اگر روزی فرارسد که جامعه فاقد تأمین این دو منظور باشد بهتر
 که نباشد .

تعریف عدالت بمنطق اپیکور

عدالت و حقوق اجتماعی و قانون از امور قرار دادی و اصلاحی است و
 اصالت وجودی ندارد و لذا خوبی و بدی هم تابع همین اصل است آنچه را
 مردم توافق کنند و آنرا خوب بدانند خوب است و آنچه را توافق کنند که
 بد است بدشمرده میشود اپیکور قانون را مقرراتی میدانند که جامعه آنرا پذیرفته
 باشد و مایل باشد که طبق آن زندگی کند، بنا بر این لغو و اثبات قوانین تابع تصمیم
 جامعه میباشد اپیکور تقوی را در تأمین مسرت و لذت میدانند و طرفدار میانها روی
 و اعتدال و آرامش و رقابت میباشد با شهوت و زیادی روی و افراط در هر چیز
 مخالف است .

اپیکور معتقد است افراد بشر باید که دیگر برادرند و ملتی مزیت بر ملت دیگر
 ندارد و لذا طرفدار بهبود وضع غلامان و زنان و حامی تربیت عمومی و نهضت انسانی
 میباشد بالاخره مسلك اپیکوریانها را خودخواهی روشن فکر نامیدند زیرا متضمن
 نوعی خودخواهی و جلب منافع شخصی توأم با بشر دوستی و برادری میباشد .

فلسفه اپیکور در ترکیب فلسفه یونان و روم درقرنهای بعد موجب بهبودی موفقیت زنان و غلامان و رواج نهضت انسان دوستی گردید .

دوم فلسفه شکاکین و کلیون .

برخلاف تصور بعضی از مفسرین فلسفه سیاسی مکتب شکاکین و کلیون در جوهره و بنایکی می باشد تنها در مقایسه عقاید آنان ممکن است گفته شود که شکاکین کمی معتدل تر از کلیون میباشند.

آنچه مسلم است فلسفه شکاکین و کلیون ماخوذ از عقاید سوفسطائیان اقدم یونان می باشد که در فصول گذشته عقاید آنها مورد بحث قرار گرفت و وجه تسمیه این دسته بکلیون آنستکه مؤسس آن انتیس تن مدرسه خود را در نقطه از شهر آتن قرار داده بود بنام ستپور سارژ یعنی سنگ سفید لذا پیروان مکتب (انتیس تن بکلیون معروف شدند .

مسلك و مرام این دسته درست برعکس ضد اپیکورها می باشد انتیس تن و تابعین او فضیلت و سعادت را در ترك تمام لذات میدانستند گیراتس که بزرگترین مبلغ و شخصیت بارز این فرقه بود از تمام علائق و اموال خود اعراض نمود و حیات فقر فلسفی را اختیار کرد و مانند آوارگان مسافرت میکرد و فلسفه خود را بر مردم تعلیم میداد ظاهراً بیشتر پیروان مکتب کلیون از اشخاصیکه محروم از تابعیت آتن بودند تشکیل می یافت شکاکین نیز جمعیتی از معلمین و فلاسفه آواره تشکیل داده بودند که فقر و آواره گی را اختیار کرده بودند و ظاهر آره بانان آواره قرون وسطائی اروپا که درویش وار بدوره گردی و وعط مشغول بودند و پماندیان موسوم شدند دنباله مسلك کلیون بوده اند.

تعلیمات شکاکین و کلیون بیشتر متوجه فقرا بوده و تمام مقررات اجتماعی و قوانین موضوعه و آداب اجتماعی را با شدت تخطئه و تحقیر میکردند و حتی تا حدود توانائی بر خلاف آداب معاشرت و رسوم اجتماعی عمل مینمودند و آنچه بر خلاف آداب و رسوم اجتماعی بود عامداً از آنها ناشی میشد .

بعضی از مفسرین فلسفه سیاسی مذهب شکاکین و کلیبیون را نمونه از حکومت طبقه فقرا میدانند که سعادت و فضیلت انسانی را در لاقیدی محض میدانستند اساس فلسفه اجتماعی این فرقه برای اصل استوار است که مرد حکیم باید کاملاً بی نیاز باشد و این اصل را چنین تفسیر نمودند که آنچه در قدرت هر فرد انسانی و حاصل افکار و صفات اخلاقی اوست باید برای حیات نیک مصرف شود بدون قید و شرط فرد انسانی باید بهره‌جیز بی اعتنا و خون سرد باشد از آن جمله نسبت با اموال و زن و فرزند و تشکیل خانواده و مسئله تابعیت و تحصیل علم و کسب فضیلت و کلیه آنچه از شئون تمدن شمرده میشود تمامی امتیازات متعارف در حیات اجتماعی یونان مورد انتقاد شدید این فرقه بوده و آنها را مردود میدانستند در فلسفه کلیبیون تمام افراد انسانی باید در سطح مشترک بی اعتنائی تمام شئون انسانی و تمدن تنزل داده شود و در مسلك آنها کمونیسم افراطی آمیخته با فکار علم و از دنیا گذشتگی حکومت میکرد قدیمی ترین عقیده در انکار خدا و مذهب در یونان که اصطلاحاً آنرا آنتیسم میگویند عقیده کلیبیون میباشد.

انتیس تن در یک خمزندگی میگرد و از مایملک جهان تنها یک کوزه آب نوشیدن داشت روزی ملاحظه کرد که شخصی با کف دست از نهر آب مینوشد کوزه را هم بدور انداخت و شکست تا بقدریک کوزه هم علاقه نداشته باشد میگویند در روز روشن با چراغی افر وخته در کوچه‌های اتن گردش میکرد و میگفت در جستجوی انسان هستم و آرزوی دیدار یک انسان را دارم نوشته اند روزی در معبر اسکندر قرار گرفت اسکندر باو گفت از من چیزی بخواه انتیس تن در جواب اسکندر گفت از جلوی من دور شو تا از نور آفتاب محروم نشوم کلیبیون معتقد بودند علم بهره‌چیزی که وراء تجربه باشد محال است و هر علمی که وراء احتیاجات و امور حیات عادی روزانه انسان باشد علم نیست و قابل رد و انکار است.

مکتب شکاکین و کلیبیون هیچگاه واسطه یا موجب یک آئین اجتماعی اعم از آئین بشر دوستی یا آئین مجاهده در بهبودی احوال انسانی وضع نشده بلکه همواره

با آئین ریاضت و انزوا و انکار نفس خویشتن و فرار از مذهب و هر گونه مقررات و آداب اجتماعی پرداخته و تکیه کرده شکاکین يك نوع نفرت حقیقی تعصب آمیز نسبت به مقتضیات اجتماعی که بخصوص در زمان قدیم در همه جهان معمول بوده داشته‌اند و همین نفرت باعث ایجاد این مسلک و عقیده گشته و بعقیده خود در عالم فلسفه بجستجوی يك محیط روحانی محض که در آن زشت و زیبایی خوبی و بدی آزادی و بردگی وجود نداشته باشد و همه یکسان باشد بوده‌اند .

نتیجه فرضیه سیاسی این فرقه کاملاً ایدالیست بوده و بنظر میرسد مؤسسين این مکتب نقشه يك نوع کمونیسیم ایدالیزه و شاید نوعی انارشی راطرح کرده‌اند که در آن اموال و ازدواج و حکومت هر سه الغاء شده ناپدید گردد .
سوم فلسفه رواقیون .

فلسفه رواقیون مجموعه از فلسفه یونان قدیم و تلفیق با فرضیات و فلسفه بعد از زمان اسکندر می‌باشد با توجه بعقاید سیاسی این فرقه مکتب آنها را مروج یا واضع فرضیه جدید در آغاز فرضیه جهانی باید دانست .

فلاسفه مکتب استانیك (رواقیون) را آخرین مکتب بزرگ آتنی میدانند که در سال ۳۰۰ قبل از میلاد بوسیله زنون فنیقی در شهر آتن تاسیس شد وجه تسمیه مکتب وی باستانیك (یا رواقیون) آنستکه اولین جلسات درس وی در ایوان یاروافی شبستان مانند تشکیل مییافته است باین مناسبت باین مکتب استانیك‌ها که معنی آن رواقیون است گفته میشود .

مدرسه زنون در آغاز شعبه از فلسفه کلیون بود زیرا زنون شاگرد گراتس یکی از پیشوایان و مؤسسين کلیون بوده حتی بعضی گمان کردند زنون کتاب خود موسوم بدولت راهنگامی نوشته که نزد گراتس درس میخواند فصولی از این کتاب بر مبنای خیال پرستی مییاشد میگوید دسته مردم گله مانند بدون خانواده و اموال عاری از اختلافات و امتیازات نژادی یا طبقاتی بدون احتیاج بیول و قانون زندگی میکنند .

زنون پس از مدتی مکتب کلیون وشکا کین را خام و عاری از اصالت دانست و خود مؤسس مکتب جدیدی گردید ولی با توجه با اصول فلسفی و عقاید سیاسی وی کاملاً آشکار است که تا چه درجه تحت نفوذ آن مکتب قرار گرفته عقاید سیاسی رواقیون رامیتوان بچهارده اصل خلاصه نمود .

۱ - منافع فردی در منافع جامعه مستهکک میباشد مراد از جامعه، جامعه جهانی است نه دولت ملی بنا بر مبنای رواقیون دولت جهانی است که حاکم بر فرد است.
 ۲ - قوانین جامعه جهانی واجب الاطاعه و الزامی است تمام افراد طبعاً عضو جامعه جهانی میباشد .

۳ - مساوات تمام مردم جهان برادر و برابرند و در حقوق انسانی مساوی میباشدند و عموماً اتباع کشور جهان هستند بدون توجه بمال و مقام و نژاد و فرهنگ.
 ۴ - قانون هر کشور باید مطابق قانون جامعه بشری و جهانی باشد که با قانون طبیعت تطبیق گردد .

۵ - جامعه جهانی تنها جامعه ایدال است و بس

۶ - نژاد، نژاد انسانی است و نژاد خاص معنی ندارد .

۷ - تنها شأن آدمی و انسانی مورد احترام است بدون توجه بمال و مقام و

نژاد خاص .

۸ - تقوی عبارت از عالی ترین صفات انسانی میباشد و اختصاص بطبقه معین ندارد هر طبقه میتواند دارای فضیلت تقوی بوده باشد .

۹ - انکار وجود خدا .

۱۰ - تادیب فلسفه عملی و معتدل .

۱۱ - اعتقاد بآثار قابل حس و مشاهده و بس .

۱۲ - لافیدی و صوفی منشی .

۱۳ - سعی در عدم احتیاج بدیگران تحمل در سختیها و مقاومت در مقابل

مشکلات بمنظور تامین در عدم احتیاج بدیگران .

۱۴ - اعتقاد ثابت بحقوق طبیعی .